

بسترها و چالش‌های تعاونی سازی در افغانستان

محمدظاهر نوروزی^۱

چکیده

افغانستان کشوری در حال توسعه است که در آسیای مرکزی قرار دارد بعد چند دهه جنگ‌های داخلی وجود یک حکومت مرکزی را حس می‌کند. با نگاهی به وضعیت اقتصادی این کشور می‌توان به آسانی دریافت که وضعیت مطلوبی ندارد. دولت بوجود آمده دارای چالش‌هایی است که نمی‌تواند گامی بزرگ برای توسعه این کشور بردارد و بخش خصوصی نیز بخاطر امنیت نامطلوب مشتاق سرمایه‌گذاری در این کشور برای بلند مدت نیست. یکی از راهکارها برای رهنمون نمودن این کشور به سمت و سوی توسعه استفاده از تعاونی‌هاست که می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصادی افغانستان از این نهاد بهره‌جست؛ همچنان که در بسیاری از نقاط جهان موثر بوده است. با اینکه افغانستان از تعاونی‌ها استفاده می‌کند ولی بسیار مبتدی و در بخش‌های خاصی از اقتصاد این کشور و یا در مناطق خاصی از این کشور فعالیت می‌کنند نه در همه بخش‌هایی که تعاونی‌ها می‌توانند فعالیت کنند و مؤثر باشند.

در مقابل استفاده از تعاونی‌ها چالش‌هایی نیز دارد که مانع از فعالیت این شرکت‌ها در این کشور شده است که می‌توان به ریسک بالا و بازدهی اندک در گام نخست، عدم ثبات سیاسی، فقدان امنیت، فقدان نیروی متخصص اشاره کرد.

واژه‌گان کلیدی: تعاونی، افغانستان، توسعه، دولت، بخش خصوصی، صنعت.

^۱. دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی (ص) العالمیه - zahirnorouzi@gmail.com

افغانستان کشوری در حال توسعه و در آسیای مرکزی واقع شده است. بالغ بر ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد. اقتصاد این کشور وابسته به دامداری و کشاورزی است و صنعت هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است.

با توجه به وضعیت اقتصادی این کشور که وضعیت مطلوبی ندارد و بحران جنگ‌های داخلی را جدیداً پشت سر گذاشته، وضعیت دولت طوری نیست که بتواند اقتصاد را به شکل دولتی اداره کند همچنین وضعیت امنیت هم خوب نیست تا سرمایه‌گذاران خارجی و خصوصی مشتاق سرمایه‌گذاری در این کشور سرمایه‌گذاری باشند؛ وضعیت اکثریت مردم هم طوری نیست که بتوانند شرکت‌های صنعتی، خدماتی و... را به تنهایی ایجاد نمایند لذا به نظر می‌رسد که با بوجود آوردن شرکت‌های تعاونی بتوان، برای وضعیت اقتصادی افغانستان چاره‌ای اندیشید و به سوی توسعه رهنمون کرد.

در این نوشتار می‌خواهیم تحت عنوان بسترها و چالش‌های تعاونی سازی در افغانستان، نگاهی به تاریخچه تعاونی‌ها در افغانستان بیاندازیم، و در ادامه انواع تعاونی را به اختصار بیان کرده و همین طور بیان خواهیم کرد، چه نوع تعاونی در افغانستان فعالیت می‌کنند، و بعد از آن به بخش‌های از اقتصاد افغانستان که می‌تواند با تعاونی سازی به توسعه اقتصادی این کشور کمک کند، براساس انواع تعاونی‌های رایج در جهان می‌پردازیم.

۱- مفهوم تعاون

برای تعاون دو نوع معنا و مفهوم بیان نموده‌اند که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

مفهوم عام تعاون: در فرهنگ معین تعاون به معنی «یکدیگر را یاری کردن، به هم یاری کردن می‌باشد» (معین، ۱۳۷۵، ص ۳۲۸). در لغت‌نامه دهخدا، «هم‌پشت شدن، یکدیگر را یاری کردن، یاری کردن بعضی قوم بعضی دیگر را، با هم مددکاری یکدیگر را کردن،» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۷۵۳) معادل واژه تعاون آمده است.

تعاون به این مفهوم، یکی از جنبه‌های مهم زندگی اجتماعی است و چون با ذات و فطرت انسان‌ها سازگار می‌باشد، از آغاز زندگی جمعی بشر کاربرد داشته است. ضرورت همکاری با دیگران برای مقابله با خطرات طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان و... بر می‌گردد.

توسعه‌ی تمدن و گسترش شهرها نیاز به همکاری متقابل برای تأمین کمبودهای ناشی از پیچیدگی‌های زندگی شهرنشینی، ضرورت توجه و به‌کارگیری ساز و کارهای تعاونی بیش از پیش احساس گردید.

«به یک معنا همه‌ی رفتارهای اجتماعی تعاون است. یعنی، انجام کارهایی که نیازمند همکاری دو نفر و بیشتر است. خواه بازی کردن با الاکلنگ باشد یا بازی تنیس، شرکت در یک گفتگو، یا داشتن یک رابطه اجتماعی، در هریک از این موارد نظام اجتماعی وجود دارد که در آن فعالیت‌های هر عضو برای دستیابی به محصول نهایی هماهنگ می‌شود» (جعفرزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

مفهوم خاص تعاون: تعاون به مفهوم خاص آن به نوع مشخصی از کارکردن با یکدیگر اشاره دارد که از طریق تشکیل سازمان رسمی و به‌کارگیری روش‌های مدیریتی خاص، دسترسی به اهداف مشترک را امکان پذیر می‌سازد. تعاریف متعددی از این مفهوم تعاون شده است که ما در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

پل روی می‌نویسد: «تعاونی، موسسه‌ای است اقتصادی که از طرف اعضا سازمان یافته، ایجاد می‌گردد و توسط خود آن‌ها اداره می‌شود و به تدارک یا فروش کالا و ارائه خدمات به اعضا به قیمت تمام شده می‌پردازد.»

کامپیل: «شرکت تعاونی عبارت است از سازمانی که در آن افراد داوطلبانه و با حقوق مساوی با یکدیگر شریک می‌شوند تا از منافع اقتصادی خود دفاع کنند» (طالب، ۱۳۷۹، ص ۷-۸).

اتحادیه بین المللی تعاون در سی و یکمین کنگره خود که در سال ۱۹۹۵م در منچستر برگزار گردید، تعاونی را این گون تعریف کرده است: «تعاونی، اجتماعی مستقل از اشخاصی است که به منظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق اداره و نظارت دموکراتیک موسسه‌ای با مالکیت، جمعی، با همدیگر به نحو اختیاری توافق نموده‌اند» (جعفرزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

فرانس هلم با توجه به مفاهیم مختلف تعاونی تعریف نسبتاً جامعی از شرکت‌های تعاونی کرده است: «شرکت تعاونی سازمانی است از واحدهای اقتصادی که به میل و اراده

شخصی افراد تشکیل می‌شود و براساس اصل تساوی و برای تحقق هدف اقتصادی تعیین شده به فعالیت می‌پردازند. ماهیت شرکت تعاونی نه سرمایه‌داری است و نه سوسیالیستی، بلکه تشکیلاتی است که از طریق اقداماتی بی‌طرفانه به هدف‌های مختلف و سیستم‌های اقتصادی خدمت می‌نماید» (طالب، ۱۳۷۹، ص ۹).

با توجه به تعاریف مزبور، نکاتی به شرح زیر مطرح است:

- تعاونی سازمانی دارای شخصیت حقوقی می‌باشد و به منزله یک بنگاه اقتصادی، موظف به رعایت قواعد و مقررات قانونی است. لذا موسسه‌ای رسمی می‌باشد.
- عضویت افراد، در این سازمان یا بنگاه ارادی و داوطلبانه است و علاوه بر سرمایه‌گذاری افراد، مستلزم قبول مسئولیت‌های ناشی از عضویت می‌باشد
- اداره این موسسه با شرکت‌های تجاری متفاوت است و از قواعد ویژه‌ای پیروی می‌کند، از جمله اداره دموکراتیک.

- دفاع از منافع اقتصادی اعضا و ایجاد سازمانی متفاوت با سازمان‌های نظام سرمایه داری و سوسیالیستی که به بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا منجر گردیده و به اعتقاد برخی از صاحب نظران نظام اقتصادی و اجتماعی جدید را پدید می‌آورد.
- در نتیجه می‌توان گفت که این تعریف نسبت به تعاریف دیگر جامع بوده و ابعاد مختلفی از فعالیت‌های شرکت تعاونی را بیان می‌کند و منظور ما نیز از تعاونی به معنای خاص در این نوشتار شرکتی است که دارای این ویژگی‌ها باشد.

۲- تاریخچه تعاون در افغانستان

برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ تعاونی‌های کشاورزی در افغانستان ایجاد گردید. در ابتدا به تعداد ۱۱۳ کوپراتیف زراعتی توسط مولدین پوست قره قول و کرم ابریشم تشکیل گردید. روند توسعه تعاونی‌ها با تأسیس نظام جمهوری در افغانستان ارتقا یافت. در سال ۱۳۵۲ در قانون تعاونی‌ها اصلاحاتی بوجود آمد که به نفع کشاورزان تمام شد. در ادامه در سال ۱۳۶۰ قانون جدید تعاونی‌ها در کشور نافذ و امتیازات بیش‌تری برای تعاونی‌ها در نظر گرفته شد. بعد از سال ۱۳۶۰ بخاطر عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی، امنیتی، دولتی، بانکی و پرسنلی فعالیت تعاونی‌ها در کشور رو به نزول قرار گرفت. اگر چه تا سال ۱۳۷۳ ریاست تعاونی‌های

کشاورزی در بادام باغ فعال بود ولی پس از سال ۱۳۶۰ بنابر عوامل سیاسی و جنگ نتوانست تعاونی‌ها توسعه یابد.

با بوجود آمدن نظام جدید در افغانستان، دولت کوشش نمود تا تعاونی‌ها را احیا نموده و توسعه دهد. به‌همین منظور در ماه دی سال ۱۳۸۶، قانون تعاونی‌ها در ۶ فصل و ۳۱ ماده، در پارلمان افغانستان به‌تصویب رسید؛ این قانون زمینه رشد و فعالیت کشاورزان مولدین و صنعتگران را خیلی مساعد نموده‌است. همچنین در ماده ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی نیز دولت همکاری خود را با بنیادهای اجتماعی اعلام داشته‌است. ولی با وجود چنین سهولت، مشکل‌هایی نیز وجود داشت که نتوانسته است تعاونی‌ها را به‌طور لازم رشد دهند. که ناشی از عدم توجه مسئولین، نبودن برنامه و عدم بودجه بوده است. پس از سال ۱۳۸۸ وضعیت تعاونی‌ها به‌خود حالت بهتر را گرفت. طبق گزارش وزارت کشاورزی بیش از ۱۵۰۰ میلیون افغانی را از طریق تعاونی‌ها به‌صورت قرضه و کمک برای کشاورزان داده است. «در سال ۲۰۱۱ میلادی به‌تعداد ۵۵۳ تعاونی ثبت شده‌است و تعداد تعاونی‌های افغانستان فعلاً به ۲۹۷۱ رسیده‌است. از شروع سال جاری ۸۰۰ هزار دلار به‌تعاونی‌های ولایت بامیان توزیع شده‌است و توزیع بیش از ۱۵ میلیون دلار کمک‌های مختلف برای کشاورزان ولایت هلمند جریان دارد و تفاهمنامه توزیع سه میلیون دلار قرضه نیز برای کشاورزان این ولایت به‌امضا رسیده است. قرار است ۳۰۶ میلیون دلار کمک‌های وزارت کشاورزی، مالداري و آبیاری برای کشاورزان ولایت قندهار نیز توزیع شود. همچنین دهها دستگاه تراکتور به‌تعاونی‌ها در ولایات مختلف توزیع شده‌است که عمده‌ترین آن، توزیع ۴۶ عراده تراکتور در ولایات بامیان، بغلان، لوگر و ننگرهار می‌باشد. در سال ۱۳۸۹ دولت فرانسه بمنظور ارتقای ظرفیت در فعالیت‌های زراعتی افغانستان و به‌ویژه تقویت بخش تعاونی‌ها کمک خود را به‌ارزش ۶ میلیون و پانصد هزار یورو به‌وزارت کشاورزی، آبیاری و مالداري کشور اعلان نمود. وزارت کشاورزی افغانستان گفته است: با بودن چنین پول نخست ضروریات ظرفیتی ۴۰ کوپراتیف تعیین شده، و سپس با این کوپراتیف‌ها در تهیه

طرح کسب و کار، آموزش به اعضای آن و ایجاد صندوق قرضه کار صورت خواهد گرفت.^۱

۳- طبقه بندی تعاونی‌ها

تعاونی‌ها تقریباً در هر بخش اقتصادی وجود دارند و بسیاری از آنها به شکل چند منظوره فعالیت می‌کنند.

طیف گسترده‌ای از تعاونی‌ها از کوچک تا اتحادیه‌های محلی و شرکت‌های مشترک چند ملیتی فعالیت دارند. با وجود این تنوع، به منظور سهولت در تعریف و تحلیل، تعاونی‌ها را اغلب براساس یکی از چهار روش زیر طبقه بندی می‌کنند:

فعالیت عمده تجاری

تعاونی‌ها را بیشتر به عنوان تولیدی، بازاریابی، خرید، مصرف یا خدماتی دسته بندی می‌کنند. هریک از این گروه‌ها شامل مقوله‌های ظریف‌تری است که طیف وسیع محصولات را در زیر چتر تعاونی‌ها دربر می‌گیرد.

- حوزه بازار

تعاونی‌ها را می‌توان براساس بزرگی حوزه بازار طبقه بندی کرد: تعاونی‌های محلی، محلی بزرگ، منطقه‌ای، ملی یا بین المللی.

- ساختار مالکیت:

شش مدل متفاوت مالکیت تعاونی را می‌توان شناسایی کرد: متمرکز، فدراسیونی، پیوندی - پیوند تعاونی متمرکز و فدراسیونی، تعاونی‌های نسل نو، «تعاونی‌های وایومینگ» جدید و تعاونی‌های با مالکیت کارکنان.

- گسترده فعالیت

تعاونی‌ها را می‌توان بر اساس گسترده فعالیت به یک منظوره و چند منظوره طبقه بندی کرد، تعاونی‌های یک منظوره فقط با هدف توسعه اقتصادی ایجاد می‌شود ولی هدف

^۱ - تاریخچه کوپراتف‌ها در افغانستان، سایت ویکیپدیا، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۲. و کریم پوپل، جنبش کوپراتیف‌ها در افغانستان، سایت مشعل.

تعاونی چند منظوره علاوه بر توسعه اقتصادی به پیشرفت عدالت اجتماعی و سازواری فرد و جامعه می‌باشد.

در ادامه تعاونی‌ها را به دو نوع تقسیم می‌کنیم؛ قسم نخست تعاونی‌هایی که در افغانستان موجود هستند و فعالیت می‌کنند و قسم دوم تعاونی‌هایی که در جهان فعال هستند و موفق بوده‌اند اما فعلاً در افغانستان فعال نیستند ولی در آینده می‌توانند، در افغانستان فعالیت کنند تا حرکتی برای توسعه این کشور باشند؛ سعی خواهیم کرد که هر کدام از تعاونی‌های موارد فوق را توضیح دهیم.

۳-۱-: تعاونی‌های موجود در افغانستان

فعلاً فقط دو نوع تعاونی کشاورزی، دامداری و مرغداری در افغانستان فعالیت می‌کنند که هر دو از لحاظ مالی، برنامه، و آموزش افراد از سوی وزارت کشاورزی، مالدار (دامداری) و آبیاری حمایت می‌شوند.

۳-۱-۱- کشاورزی

با توجه به بحث تاریخچه تعاون در افغانستان، که در ذیل آن وضعیت تعاون را بعد از سال ۲۰۰۲ توضیح دادیم و چون تعاونی عمده در افغانستان تعاونی‌های کشاورزی است، می‌توان گفت که همان می‌تواند وضعیت تعاونی کشاورز را در افغانستان نشان دهد، لذا از تکرار مطالب پرهیز نموده و فقط به اهمیت کشاورزی در افغانستان و برنامه‌های توسعه‌ای دولت برای تعاونی‌های کشاورزی می‌پردازیم.

۳-۱-۱-۱- اهمیت کشاورزی

«افغانستان به عنوان کشور زراعتی در منطقه و جهان شناخته می‌شود. بر اساس گزارش اداره همکاری بین المللی آمریکا (USAID) و آمار زراعتی ۸۰٪ مردم افغانستان به کشاورزی و مالدار اشتغال دارند، و ۳۱٪ درآمد ناخالص ملی از محصولات زراعتی بدست می‌آید. بخش اعظم صادرات افغانستان نیز محصولات زراعتی و دامی است.

به همین لحاظ، در ساختار اقتصادی جامعه افغانستان، زراعت از اهمیت خاصی برخوردار است. کارشناسان کشاورزی را مهم‌ترین بخش در اقتصاد افغانستان می‌دانند و اعتقاد دارند که تنها با توسعه بخش زراعت می‌توان به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب در

افغانستان دست یافت.

در شرایط کنونی کشاورزی در افغانستان بهترین و شاید تنها گزینه برای ایجاد زیر ساختهای اقتصادی این کشور باشد. به گفته جانسون و ملور (۱۹۶۱) زراعت نه تنها نقش انفعالی در توسعه ایفا نمی‌کند، بلکه می‌تواند در پایه ریزی ساختاری اقتصادی در کشورهای رو به توسعه، پنج کمک مهم را انجام دهد که عبارت از: "فراهم آوری نیروی کار، سرمایه، ارز، مواد خام برای بخش روبه رشد صنعتی و ایجاد بازار مناسب برای کالای صنعتی تولید شده در داخل."^۱

در حال حاضر یکی از عمده‌ترین مشکلات اقتصاد این کشور کمبود توان مالی و ضعف قدرت خرید این جمعیت کثیر است؛ بخاطر کمبود امکانات و درآمد پایین در روستاها بیشتر مردم در حال مهاجرت به شهرها می‌باشند. برای بهبود زندگی کسانی که در روستاها باقی مانده‌اند، باید کاری کرد که امکانات اولیه زندگی برای آنها فراهم شده و درآمد آنها افزایش یابد و لازمه این کار افزایش تولید است و در صورتی محصول افزایش می‌یابد که کشاورزان از ماشین آلات و سایر امکانات استفاده نمایند.

۳-۱-۲- برنامه‌های دولت برای تعاونی‌های کشاورزی

«توسعه تعاونی‌های زراعتی یکی از اولویت‌های مهم وزارت زراعت است این وزارت برای توسعه‌ی تعاونی‌ها طرح‌های منظم کاری سه ساله را آماده کرده که به‌اساس آن ضمن دادن آموزش‌های لازم مدیریتی و فنی تجهیزات و وسایل مورد نیاز از قبیل تراکتورها، واترپمپ‌های آبیاری، وسایل باغداری و مالداري، وسایل خشکن آفتابی و سایر ابزار دیگر را نیز خریداری کرده است. در حال حاضر در سراسر کشور حدود ۳ هزار باب تعاونی ثبت شده وجود دارد، که تعداد محدود آن فعال می‌باشند. وزارت زراعت قصد دارد تا تعاونی‌ها را از جهت نهادهای تجارتي و مدنی مستقل و سهمیم در رقابت بازار رشد دهد، تا از یکسو مشکلات کشاورزان را در بخش‌های بازاریابی، دسترسی به عوامل تولید و

۱- سایت بی بی سی فارسی، جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان، علی حسینی، ۱۱/ شهریور/ ۱۳۹۲.

آموزش‌های زراعتی لازم کاهش دهد و از سوی دیگر با تقویت نقش تعاونی‌ها از لحاظ نهادهای تولیدی را در تهیه برنامه‌های زراعتی و تعیین اولویت‌ها تقویت نماید.^۱

۳-۱-۱- تعاونی دامداری و مرغداری

این نوع تعاونی از تعاونی‌ها نو پا در افغانستان شناخته می‌شود، فقط در ولایت بامیان وجود دارد، که توسط زنان اداره می‌شود. ذکیه حسینی، رئیس این تعاونی‌ها هدف از ایجاد آن را « سهم گرفتن مستقلانه زنان در عرصه زراعت و مالرداری عنوان نموده، وی افزود با ایجاد اینگونه تعاونی‌ها زنان می‌توانند از تسهیلات فراهم شده بوسیله ریاست زراعت بامیان بهره‌مند شوند.^۲ اطلاعات زیادی در مورد این نوع تعاونی منتشر نشده و آنطور که از گزارش‌ها پیداست این تعاونی، نوعی تعاونی تولیدی بوده که از لحاظ بازار منطقه‌ای است. و ساختار مالکیت مشخص نیست، با توجه به اینکه از برنامه‌های وزارت زراعت، مالرداری و آبیاری است می‌تواند گفت مالکیت این تعاونی‌ها احتمالا مانند تعاونی‌های کشاورزی هستند.

۳-۲- : تعاونی‌های مورد نیاز در افغانستان

«تعاونی‌ها از لحاظ نوع فعالیت در بخش‌های زراعتی، صنعتی، پیشه‌وری، استهلاکی، ساختمانی، و حمل و نقل مطابق احکام این قانون ایجاد شده می‌تواند تعاونی‌ها در صورت لزوم در سایر بخش نیز ایجاد شده می‌تواند.» با توجه به بخش کشاورزی که کمترین حمایت برای توسعه را از طرف دولت شامل می‌شود. و میزان افرادی که مشغول به این بخش است نزدیک به ۳۵٪ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده و مقداری از صادرات افغانستان از این بخش است. لذا به نظر می‌رسد که اگر از تعاونی‌های دیگری که در جهان استفاده می‌شود در افغانستان نیز به وجود آیند و نگاه ویژه‌ای که

^۱ - سایت وزارت زراعت، مالرداری و آبیاری، کنفرانس سه روزه راجع به قانون کوپراتیف های زراعتی دایر

شد، ۷/ jul/ ۲۰۱۳.

^۲ - سایت صدای آمریکا، بامیان نوین؛ اولین کوپراتیف مالرداری و مرغداری زنانه در بامیان، ۲۰/ تیر ۱۳۸۹.

دولت در این بخش‌ها دارد، با توجه به تخصیص بودجه، می‌توانند به‌روند رو به‌رشد و توسعه اقتصادی این کشور کمک کنند.

۳-۲-۱- تعاونی مصرف

با اندک نگاهی به تراز تجاری افغانستان می‌توان گفت که این کشور، یک کشور مصرف کننده است چرا که تراز تجاری این کشور منفی است و همچنانکه قبلاً اشاره شد ۹۰٪ وارد کننده است. دلیل این امر را می‌توان، عدم داشتن صنعت و کارخانه تولیدی در بسیاری از مواد اولیه و مورد نیاز مردم خویش دانست، تقریباً همه شرکت‌ها در بخش واردات، توزیع و مصرف خصوصی هستند که با توجه به منفعت خویش کالاهای بدون کیفیت را به‌کشور وارد کرده و می‌فروشند، که با بی‌کفایتی گمرک‌ها و بازرسان، این امر بسیار به‌آسانی صورت می‌گیرد. لذا شرکت‌های تعاونی مصرف می‌تواند به‌کمک مردم بیاید و کالاهای با کیفیت را بدون واسطه و با قیمت‌های ارزانتر به مصرف کننده برسانند.

«شرکت‌های تعاونی مصرف در زمینه هر نوع مواد مصرفی مورد نیاز مردم ممکن است تشکیل شوند؛ مانند شرکت‌های تعاونی مواد خوراکی، لباس، کفش، مواد شوینده، مواد بهداشتی و دارویی، لوازم اتومبیل، آب، برق، گاز، که هدف از تشکیل آنها کوتاه کردن دست واسطه‌ها و پیوند تولید کننده به مصرف کننده بطور مستقیم است» (آراسته خو، ۱۳۷۸، ص ۷۸).

۳-۲-۲- تعاونی تولید

کشور افغانستان بخاطر جنگ‌های داخلی که پشت سر گذاشت، در دولت خویش کسری‌های زیادی دارد، از جمله این کاستی‌ها کمبود بودجه دولت و امنیت است. هم‌چنانکه قبلاً اشاره شد: بخاطر کمبود بودجه دولت نمی‌تواند در بخش‌های تولیدی و صنعتی سرمایه‌گذاری کند، و بخاطر عدم امنیت شرکت‌های خصوصی در این کشور سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، لذا به‌نظر می‌رسد که شروع بخش‌های تولیدی به‌صورت تعاونی لازم است چرا که این مردم هستند تا برای خویش چاره‌ای باندیشند و دولت را در این امر یاری رسانند و این کار با تعاونی‌های تولید می‌تواند محقق شود. آراسته خو در مورد تشکیل اولین تعاونی‌های تولید می‌نویسد: «از سال ۱۸۴۰ میلادی به‌بعد تعاونی‌های تولیدی

بتدریج در بخش‌های مختلف یکی پس از دیگری به میان آمدند و فعالیت‌های خود را آغاز نمودند، مانند: شرکت‌های تعاونی تولید خیاطان، خبازان، نقاشان، و...» (همان، ص ۷۶)

تعاونی‌های تولید در تألیف و پیوند عوامل کار و سرمایه دست اندرکار می‌شود و جدایی کار از سرمایه سوء استفاده سرمایه‌داران از نیروی کار را از میان می‌برد و «انگیزه‌های تولید با کیفیت برتر و جامع و عرضه وجود در بازار رقابتی عصر حاضر را افزون می‌سازد.» (همان، ص ۷۳).

«شرکت‌های تعاونی تولیدی در کلیه اموری که در شرکت‌های تعاونی مصرف به آنها اشاره شده می‌توانند به تولید کالا پردازند و در عرضه بازار رقابتی عصر حاضر هم از نظر کمیت و هم از لحاظ کیفیت قادر به رقابت باشند و براساس مشارکت و تعاون هم کنترل کیفیت جامع و هم مدیریت کیفیت جامع و هم نوآوری و نوآفرینی نمایند و از این راه‌ها در برابر بخش‌های دولتی حکومتی و خصوصی نه تنها استقامت داشته باشند بلکه با بهره‌گیری از خصائص امر جنسی و تعاملی و سایر صفات سیستمی از منابع انسانی و همکاری و همیاری آنان قادر به پیشی گرفتن نیز باشند و این محتاج مدیریت نوین و رهبری کارآمد می‌باشد.» (همان، ص ۷۸-۷۹).

۳-۲-۳- توزیع (بازاریابی)

تعاونی‌های توزیع بازاریابی کار جمعی و مشارکتی را قوت می‌دهد که حضور مؤثر اعضای تعاونی خود مانعی بزرگ برای رشد دلالی و سودجویی چپاولگرانه کوتاه مدت است. بی‌شک تعاونی‌های توزیع می‌توانند هم تعاونی‌های تولید و هم تعاونی‌های مصرف را در جهت بهیویی مستمر یاری دهند و نقش حمایت کننده و آگاهی دهنده را ایفا نمایند و به موازات آن روحیه خصائص اغوا کننده دلالی و واسطه‌گری و نهایتاً ریا و تزویر را زوال دهند (همان، ص ۷۲-۷۱).

۳-۲-۴- تعاونی اعتبار

یکی دیگر از تعاونی‌های رایج در دنیا تعاونی اعتبار است، در این قسمت بخاطر اهمیت این نوع تعاونی، پیشینه، کارکرد و نقش این نوع تعاونی به تأمین منابع پولی و مالی در توسعه کشورها می‌پردازیم.

۳-۲-۴-۱- پیشینه تعاونی اعتبار

پیشگام این نوع تعاونی به شکل نوین در جهان کشور آمریکا است، گرچه قبل از آن به شکل سنتی در بعضی کشورها مانند آلمان وجود داشته است.

«در سال ۱۹۰۹ قانون اتحادیه اعتبار در ماساچوست به تصویب رسید و در سال ۱۹۲۱ میلادی سه ایالت دیگر سواحل شرقی این کشور قوانین مشابهی تصویب کردند در این احوال ۲۰۰ اتحادیه اعتبار با ۷۲۰۰۰ عضو و سرمایه‌ای در حدود ۲ میلیون لیره سرگرم فعالیت بود، در همان سال دفتر توسعه ملی اتحادیه اعتبار تشکیل شد، و از آن پس سریعاً پیشرفت نمود و طی چند سال بعد ۳۲ ایالت قانون اتحادیه اعتبار را تصویب کردند.» (سلیم، ۱۳۷۴، ص ۹۱)

۳-۲-۴-۲- کارکرد تعاونی اعتبار

«شرکت‌های تعاونی اعتبار غالباً در بین شاغلان کار و حرفه مشترک یا شاغلین در سازمانی خاص تشکیل می‌گردد. اعتبارات این شرکت‌ها به کمک حق عضویت، همیاری سازمان مربوط یا با اعتبارات بانک‌ها و دولت‌ها به صورت وام‌های بلند مدت (بدون بهره یا با بهره بسیار نازل) تأمین می‌گردد و قلمرو فعالیت و کارکردهای این شرکت‌ها بسیار گسترده و متنوع می‌تواند باشد؛ مانند: وام‌های ضروری کوتاه مدت، وام‌های بلند مدت، وام‌های خرید، احداث یا تکمیل و تعمیر مسکن و تهیه سایر ما یحتاج اعضا اعم از منقول و غیر منقول» (آراسته خو، پیشین، ص ۷۹).

۳-۲-۴-۳- نقش تعاونی‌های اعتبار در تأمین منابع پولی و مالی برای توسعه کشورها

۱. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۶ تعداد اعضای تعاونی‌های مالی و اعتباری در جهان ۳۵۰ درصد رشد داشته است.

۲. از سال ۱۹۷۲ تاکنون تعداد تعاونی‌های اعتبار سالانه ۱۵ درصد رشد داشته است و دارایی آن‌ها ۱۶ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

۳. در سال ۱۹۹۷ شورای جهانی اتحادیه اعتبار WOCCU به تنهایی رقمی معادل ۸۳۹،۳۴ اتحادیه اعتباری با حدود ۹۶ میلیون نفر عضو در ۲۸ کشور آفریقایی، ۱۱ کشور آسیایی، ۳ کشور در اقیانوسیه، ۱۳ کشور عربی، ۱۶ کشور آمریکای جنوبی و مرکزی و ۵ کشور آفریقای شمالی و اروپایی را در عضویت داشته است.

۴. ۱۰۰ درصد جمعیت در جمهوری دومینیک و ۴۴ درصد در ایرلند، ۳۶ درصد در آمریکا، ۲۲ درصد در کانادا عضو تعاونی‌های اعتباری می‌باشند (نهضت دژاردن).
 ۵. نهضت دژاردن که یک بانک تعاون است در ۸۰ سال پیش در ایالت کبک کانادا شروع به کار کرده و اکنون ۴ میلیون عضو دارد.
 ۶. با توجه به موفقیت بانک‌های تعاونی و بیمه در بریتانیا، استرالیا، نیوزلند و... تمام بانک‌های دولتی فرانسه با مجموع ۱۸ میلیون نفر مشتری در سال ۱۹۹۹ ساختار حقوقی خود را به صورت تعاونی تبدیل وضعیت داده‌اند در نتیجه این اقدام امکان خرید و فروش سهام به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار آمریکایی را برای اعضا فراهم کرده‌اند.
 ۷. در رومانی در سال ۱۹۸۹ حدود ۴ میلیون نفر یعنی ۲۰ درصد کل جمعیت کشور عضو تعاونی‌های اعتبار و پس‌انداز بوده‌اند.
 ۸. در بریتانیا طی سال ۱۹۹۴ حدود ۶ میلیون نفر عضو طرح‌های بیمه تعاون بوده‌اند و تعاونی‌های بیمه اروپا در این زمان ۱۱ درصد افزایش یافته است.
 ۹. در گسترش تعاونی‌های اعتبار و پس‌انداز جمهوری کره مقام اول را داشته است این کشور در سال ۱۹۹۸ تعداد ۵/۲ میلیون نفر عضو تعاونی‌های اعتباری و پس‌انداز با سرمایه‌ای معادل ۱/۴ میلیارد دلار آمریکا داشته است.
 ۱۰. در هند ۴۳ درصد اعتبارات بخش کشاورزی توسط تعاونی‌های اعتبار و پس‌انداز تأمین می‌شود.
 ۱۱. در ایران تا پایان مهرماه سال ۸۳ تعداد ۱۵۰۰ تعاونی اعتبار تشکیل شده است این تعاونی‌ها حدود ۴۲۷ میلیارد ریال سرمایه و حدود ۴۸۰۰ مورد اشتغالزایی داشته‌اند (علیزاده، ۱۳/ مرداد ۱۳۸۸).
- با توجه به نقش تعاونی‌های اعتبار و بانک تعاونی در زمینه جمع‌آوری منابع مالی تعاونی‌ها و تمرکز آن در صندوق مشترک تأسیس و راه‌اندازی بانک تعاونی ضرورتی اساسی دارد زیرا که تأمین مسکن به‌ویژه برای نسل جوان، احتیاج کشور به صنعت، احتیاج کشور به ابزار کشاورزی نوین، و ... تا حدود زیادی ملازمه با تشکیل بانک تخصصی این بخش یعنی بانک تعاون دارد. و با توجه به وضعیت اقتصادی افغانستان می‌توان گفت که

راه اندازی تعاونی‌های اعتبار در این کشور نیز ضروری است.

۳-۲-۵- تعاونی کارگری

باتوجه به اینکه قانون اساسی افغانستان، نظام اقتصادی در این کشور را سرمایه‌داری معرفی می‌کند، و هم‌چنین با نگاهی به نظام سرمایه‌داری، می‌بینیم که این نظام توجه چندانی به کارگران ندارد و لذا تشکیل تعاونی کارگری یک امر ضروری به نظر می‌رسد. هدف از ایجاد این نوع تعاونی، حمایت از کارگران می‌باشد تا کارگران بتوانند در مقابل صاحبان سرمایه به چانه زنی در مورد دستمزد بپردازند. و با توجه به اینکه کشور افغانستان نیروی کار بی‌کار فراوان دارد، می‌توان با کمک این تعاونی‌ها نیروی کار را به خارج از کشور برای کار بطور قانونی فرستاد. البته این نکته قابل ذکر است که تعاونی کارگری متفاوت با اتحادیه کارگری است. این نوع تعاونی باید ملی باشد و حوزه فعالیت آن هم باید در همه بخش‌های اقتصادی (تولید، بازاریابی و مصرف) باشد تا از اختلاف طبقاتی در کشور جلوگیری شود.

۳-۲-۶- حمل و نقل و ترابری

یکی دیگر از انواع تعاونی‌ها که می‌تواند در افغانستان به فعالیت بپردازد، شرکت تعاونی‌های حمل و نقل است چرا که قرار گرفتن افغانستان بین کشورهای ایران، پاکستان، چین، تاجیکستان، و ازبکستان باعث شده است این کشور از دو جهت در مسیر ترانزیت کالا قرار گیرد:

الف) مسیر ترانزیت شرقی- غربی موسوم به جاده ابریشم برای برقراری ارتباط بین چین و ایران که متأسفانه این مسیر در حال تغییر است بخاطر امنیت یا بی‌کفایتی دولت مردان افغانستان پروژه راه آهن امتداد راه ابریشم از چین به آسیای میانه و از آنجا به ترکمنستان و از این کشور به ایران در حال شروع به کار است، باتوجه به طولانی شدن مسیر اما بخاطر امنیت و ثبات سیاسی اقتصادی این کشورها جاده ابریشم در چند سال آینده تغییر خواهد کرد. اما اگر افغانستان زودتر به فکر عضویت در این تعاونی را داشت، می‌توانست برای احیای جاده ابریشم پروژه بزرگ راه آهن چین به این را وصل کند و برای پروژه وام بگیرد که برای توسعه افغانستان بسیار با اهمیت بود.

ب) مسیر ترانزیت شمالی- جنوبی برای ارتباط کشورهای آسیای میانه به ایران و پاکستان و سپس آب‌های آزاد بین المللی.

در حال حاضر، مسیر شمالی- جنوبی که کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان را از راه‌های متعدد به افغانستان منتهی می‌کند و سپس به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود و شاخه غربی آن به ایران و شاخه جنوبی آن به پاکستان می‌رود، از اهمیت بسزایی در همکاری‌های منطقه‌ای و توسعه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی کشورهای آسیای میانه با جهان خارج برخوردار است. و رقابت شدیدی بین ایران و پاکستان برای فعال نگه داشتن شاخه مربوط و کاهش نقش شاخه رقیب ایجاد کرده است. « دولت پاکستان علاوه بر تلاش برای بهبود جاده‌های کابل- پشاور و قندهار- کویته در صدد است خط آهن سراسری خود را در مرز چمران به اسپین بولدک افغانستان متصل کند تا تسهیلات بیشتری برای به دست گرفتن نبض اقتصادی افغانستان به وجود آورد. » (نجفی، ۱۳۸۹، ص ۶۶) و ایران هم جاده مشهد- هرات را بعد از جنگ‌های داخلی خیلی زود درست کرد که می‌توان گفت یکی از سریع‌ترین پروژه‌ها برای بازسازی بود همین‌طور در نظر دارد خط آهن مشهد- هرات را راه‌اندازی کند.

بنابراین افغانستان از بازار حمل و نقل خوبی برخوردار است، و می‌تواند منبع درآمد خوبی برای مردم این کشور باشد. و شرکت‌های تعاونی می‌توانند در این بخش نیز وارد شده و در بازار این بخش از اقتصاد افغانستان، فعالیت نمایند. یکی از مزایای تعاونی ملی مخصوصاً حمل و نقل برای افغانستان این است که می‌تواند زمینه‌ای برای آشتی ملی و گره خوردن بخش مختلف به هم باشد و منافع اقوام مختلف را به هم پیوند بزند. لذا شرکت تعاونی حمل و نقل می‌تواند کاراتر از بخش خصوصی باشد، و این مشکل را با مشارکت افرادی از هر قوم در یک تعاونی رفع کند. شرکت‌های تعاونی حمل و نقل می‌تواند به دو قسمت ملی و بین المللی فعالیت کنند.

۳-۲-۷- صنعت

در مورد تعریف دقیق صنعت، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. صنعت دارای تعریف‌ها و تعبیرهای متفاوتی است که بر اساس قابلیت جایگزینی محصولات، فرآیند

تولید و محدوده‌های جغرافیایی ارایه شده‌اند. به‌طور مثال مایکل پورتر، صنعت را چنین تعریف می‌کند: «صنعت عبارت است از گروه شرکت‌هایی که محصولات آن‌ها جایگزین نزدیکی برای هم هستند.» (پورتر، بی‌تا، ص ۴۳).

۳-۲-۱- وضعیت صنعت افغانستان

پس از سال ۲۰۰۲ بر اثر توجه کشورهای جهان به افغانستان، از صفر در مسیر رشد پا نهاده و وضع اقتصادی بهتری یافت. پس از این سال در بخش‌های جاده سازی، احداث پروژه‌های برق آبی، برق آفتابی، برق بادی، معماری، صنایع دستی و ماشینی خدمات ارزنده صورت گرفت. بر اساس اعلام اداره سرمایه‌گذاری افغانستان «از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ میلادی ۲۵۲۶۵ شرکت داخلی و ۳۸۵۴ شرکت خارجی ثبت شده که میزان سرمایه‌گذاری آن‌ها در بخش‌های مختلف در افغانستان، به‌بیشتر از ۵۲۵۵ میلیارد دلار می‌رسد.» (<http://www.aisa.org.af/1392/3/15>) هم‌چنین در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱۵ قانون سرمایه‌گذاری افغانستان در یک فصل و سی و سه ماده تصویب گردید.

۳-۲-۲- شهرک‌های صنعتی

مناطق صنعتی در تمامی کشورها باید از مناطق منطقه مسکونی دور باشند. «در افغانستان برای اولین بار در سال ۱۳۵۳ شهرک‌های صنعتی به‌کمک کشور هندوستان در منطقه پلچرخ شهرکابل پایه‌گذاری شد. بعداً شهرک‌های صنعتی بگرامی درکابل و یک شهرک صنعتی در ولایت هرات تأسیس شد. دو شهرک صنعتی دیگر در شهرهای مزار شریف و ولایت قندهار ساخته شده که تا حال توزیع نشده‌اند. بزرگترین شهرک صنعتی در جلال‌آباد در حال ساخت است. و همین‌طور بیش از ۲۰ شهرک صنعتی در ولایت‌های دیگر در برنامه‌های دولت است که ساخته شوند.» (همان)

۳-۲-۳- تعاونی‌های صنعتی

افغانستان کشوری دارای اقتصاد کشاورزی و دامداری است بطوری که صنعت‌های کوچک کمی در این کشور موجود است و در بخش کالاهای صنعتی بیشتر وارد کننده است، چون وضعیت درآمدی مردم بسیار پایین است دولت سعی می‌کند که کالاهای با قیمت‌های پایین را در بازار ارائه کند لذا بیشتر کالاها دارای کیفیت خوبی نیستند و این امر می‌طلبد که تعاون در این بخش وارد شده و کالاهای با کیفیت‌تری تولید کنند و باعث

جلوگیری خروج سرمایه از کشور شود و این امر با کمک دولت می‌تواند محقق شود، تا کالاهایی را که شرکت‌های داخلی تولید می‌کند، با قیمت‌های پایین وارد نکند. تا صنعت کشور بتواند رونق یابد.

بخش صنعت به‌عنوان یکی از محوری‌ترین تعاونی‌ها که هم‌پوشی و هم‌کوشی فراوانی با تعاونی‌های کشاورزی دارد با توسعه آن‌ها براساس آمایش سرزمینی و در رشته‌های صنایع کوچک، صنایع دستی، صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌توان فقط در تعاونی‌های صنایع تبدیلی از هدر رفتن مقدار زیادی محصولات باغی جلوگیری به‌عمل آورد و ضمن اشتغال زایی، هم قدرت خرید برای گروه‌های شغلی جدید ایجاد کرد و هم با تبدیل شدن محصولات به‌فراآورده‌های قابل نگهداری و مصرف در زمان‌های آینده به‌توان مالی تولیدکنندگان کمک نمود و ارزش افزوده برای آنها فراهم ساخت.

تعاونی‌های صنعتی ضمن ایجاد امکانات لازم برای اشتغال نیروهای آزاد شده از بخش کشاورزی امکان اشتغال‌زایی را در فضای بومی منابع انسانی فراهم می‌سازد و از مهاجرت بی‌رویه و رشد حاشیه‌نشینی و گسترش گتوهای شهری می‌کاهد. زیرا هر مهاجری که برای گریز از فقر و بیکاری و گرسنگی وادار به مهاجرت می‌شود با خود سه پیام دارد:

۱- معترض است، ۲- ناراضی است و ۳- هنجار شکن است؛ که عوامل فوق تحت تأثیر عملکردهای اجتماعی و اقتصادی پیدایش و تشدید می‌شود و در این فرایند هم بخش بزرگی از مهاجران دچار انواع آسیب‌های اجتماعی می‌شوند و همه هزینه‌های اجتماعی زیادی را به‌بودجه جامعه تحمیل می‌کنند و نتیجه آن توقف و یا کندی برنامه‌های توسعه‌ای می‌شود زیرا برای توسعه باید تولید کرد و محصولات تولیدی را فروخت بنابراین باید مشتریان پول داشته باشند تا خرید کنند به‌فقر نمی‌توان چیزی فروخت و تعاونی‌ها راه‌حل برون‌رفت از این وضعیت هستند و با اینکه برای توسعه نیاز به تسهیلات دارند اما نیروی کار بارزان به‌وفور یافت می‌شود؛ با تمامی این مسائل، مشکلات و کاستی‌هایی برای تأسیس و راه‌اندازی تعاونی‌های صنعتی وجود دارد.

۳-۲-۱- معدن

حدود ۷۰ درصد مساحت افغانستان، کوهستانی است. از این رو، معادن وسیعی در این

کشور وجود درد. طبق اعلام وزارت معادن افغانستان، وجود ۱۴۴۰ معدن در افغانستان تثبیت شده است و احتمال می‌رود حدود ۴۵۰۰ هزار منبع معدنی دیگر در این کشور وجود داشته باشد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ دی ۱۳۸۶). معادن افغانستان به دلیل جنگ‌های داخلی و عدم سرمایه‌گذاری، غالباً ناشناخته یا بدون استفاده مانده‌اند.

«روس‌ها در بررسی‌های اولیه خود در سال ۱۳۵۶ دانستند که این کشور منابع معدنی غنی و زیادی دارد. آنها برنامه‌هایی برای بهره‌برداری از این معادن تدوین کردند که با شروع جنگ‌های داخلی به سرانجام نرسید. مهم‌ترین منابع طبیعی این کشور عبارت‌اند از: گاز، زغال سنگ، مس، سنگ آهن، سنگ‌های قیمتی و ساختمانی، کروم، اورانیوم، طلا، منیزیم، میکا، تنگستن، لیتیم، آلومینیوم، بوکسیت، آزبست، باریم، سولفور، روی، سرب و نمک (نجفی، پیشین).

۳-۲-۱- ارزش منابع معدنی و زیرزمینی افغانستان

بنابر اعلام وزارت معادن و صنایع افغانستان، ارزش معدنی و زیرزمینی افغانستان ۵۰۰ تریلیون دلار است. «هم‌چنین بنابر اعلام این وزارت، زمین‌شناسان آمریکایی اعلام کرده‌اند وجود ۱۴۴۰ معدن در افغانستان تثبیت شده و حدود ۴۵۰۰ هزار منبع معدنی دیگر نیز در این کشور، به چشم می‌خورد. افغانستان به‌طور تخمینی دارای ۷۰ میلیون تن زغال سنگ، ۲۴۰ میلیون تن مس، ۱۱۰۹ میلیون تن سنگ آهن، ۲۰ تا ۲۵ تن طلا، و یک تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ دی ۱۳۸۶)

بنابراین و با توجه به وضعیت، دولت، امنیت، صنعت و نیروی بیکار در افغانستان می‌توان برای استخراج معادن افغانستان از تعاونی‌های، صنعتی، کارگری، بازاریابی اعتبار، و مصرف استفاده نمود، بطوری که این چند تعاونی می‌تواند با هم همکاری نمایند. و یا اینکه یک تعاونی چند منظوره ایجاد نمود. که بتواند همه‌ای فعالیت‌های فوق را انجام دهد. این تعاونی می‌تواند برای بلند مدت برنامه‌ریزی نماید و حوزه بازاریابی می‌تواند ملی و بین‌المللی باشد. بخاطر اینکه خیلی از مواد اولیه‌ای که استخراج می‌شود در منطقه خاصی است و برای استفاده آن، صنایع سنگین لازم است که در آن منطقه و حتی در افغانستان شاید موجود نباشد و تنها چند شرکتی در کل دنیا آن‌ها را تولید می‌کند.

شرکت‌های تعاونی مسکن در جهان دارای میلیون‌ها عضو در مناطق شهری است. در باره مکانیزم‌های اجرایی تأمین مسکن توسط تعاونی‌ها در مناطق مختلف جهان همواره تدابیری نو تر اتخاذ می‌شود. مانند «بنیاد تعاون مسکن» کانادا که در تاریخ سوم سپتامبر ۱۹۷۰ میلادی تشکیل گردید و منشأ اقدامات مؤثری در تأمین مسکن برای مردم عادی و گروه‌های کم درآمد شد» (آراسته خو، پیشین، ص ۷۶-۷۵).

وضعیت مسکن در افغانستان بعد از سه دهه جنگ‌های داخلی خیلی تأسف برانگیز است. و در این چند سال که از عمر دولت جدید می‌گذرد فقط مناطقی از شهرهای بزرگ کشور به بازسازی و ساختن شهرک‌های جدید پرداخته‌اند، با اینکه کارها شروع شده‌اند ولی خیلی از این پروژه‌ها در نیمه راه متوقف شده و موفقیت چندانی نداشته‌اند، به عنوان مثال می‌توان از شهرک کابل جدید نام برد. که «وزیر شهر سازی در کمیسیون سمع شکایات اعتراف کرد که هیچ کاری در شهر جدید کابل صورت نگرفته است» (سایت فارسی بی بی سی، ۱۶/ اردیبهشت ۱۳۹۲).

لذا بازار مسکن نیز نیازمند بازسازی و بهسازی است، «شرکت‌هایی که در افغانستان به ساختن مسکن می‌پردازند بشتر خصوصی بوده و بدنبال حداکثر کردن فعالیت خویش هستند، و منازلی که به فروش می‌رسانند بسیارگران قیمت بوده و در حدود صد هزار دلار قیمت‌گذاری کرده‌اند» (همان)، که بیشتر مردم از خرید چنان منازلی عاجز هستند لذا تعاونی‌ها می‌توانند در این بخش نیز فعالیت کنند و موفق باشند، چون می‌توانند از مزایای خدمات متقابل بین تعاونی‌ها سود جست، و از تعاونی‌های حمل نقل، اعتبار و کارگری و خدمات دولتی کمک بگیرند.

تعاونی‌های مسکن در سه حوزه تولیدی، مصرفی و خدماتی مسکن می‌توانند نقش بسیار مهم و اساسی در اشتغال‌زایی و در فرایند تأمین مسکن‌های ارزان قیمت ایفا نمایند. تجمع مهارت‌ها و تخصص‌های دارندگان پیشه‌های ساخت و ساز در گروه‌های تعاونی کار این توانمندی را به آن‌ها می‌دهد که در مناقصات شرکت کرده و به عنوان مجموعه نیروهای تخصصی بخشی از فعالیت‌های پیمانکاری را در اختیار خود قرار دهند؛ ضمن

آنکه به تجمعات ناخوشایند این قبیل از نیروهای کیفی کار در میادین و چهارراه‌های شهرهای بزرگ پایان داده می‌شود و با ساماندهی آن‌ها در مناطق شهرداری‌ها و صدور برگ هویت شغلی برای آن‌ها زمینه بهره‌گیری در فعالیت‌های ساخت و ساز را در میان این گروه‌های کاری فراهم ساخت. این تجربیات در کشورهای اروپایی به کار گرفته شده است و نقش بسیار مهمی در اشتغال‌زایی و ساخت و سازهای آن کشورها داشته است از جمله در ایتالیا این گروه‌های تعاونی کار در فعالیت‌هایی چون ساخت راه آهن و اتوبان‌ها نیز مشارکت فعال دارند.

ارتباط خلاق میان تعاونی‌های نیازمندان به تأمین مسکن با تعاونی‌های تولیدکنندگان مسکن می‌تواند زمینه‌های تولید انبوه مسکن ارزان قیمت و با کیفیت بالاتر را در جامعه فراهم کند و از طریق تعاونی‌های خدمات مسکن نیز امور نگهداری و تعمیرات و خدمات پس از تحویل مسکن پی‌گیری شود.

۴- موانع تعاونی‌سازی در افغانستان

تا اینجا ما به معرفی انواع تعاونی پرداختیم که می‌توانستند با تشکیل شدن به توسعه اقتصادی افغانستان کمک کنند طبیعی است که تعاونی‌سازی موانعی خواهد داشت که در این قسمت بعضی از موانع تعاونی‌سازی در افغانستان را به اختصار بیان می‌کنیم.

۴-۱- عدم ثبات سیاسی

کشور افغانستان چند دهه گذشته وضعیت سیاسی مطلوبی نداشته و همچنین دولت فعلی متکی به کشورهای خارجی است که این امر باعث می‌شود مردم کمتر سرمایه‌گذاری کنند و به هم اعتماد نداشته باشند. و بخاطر همین مردم به وضعیت سیاسی خوش بین نیستند لذا برای کالاها و کارهای سرمایه‌ای سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و بیشتر سرمایه‌گذاران، سرمایه خویش را به کالاهای مصرفی کالاهایی که زودتر به پول تبدیل می‌شوند سرمایه گذاری می‌کنند. از آنجایی که اقوام و مذاهب به هم اعتماد چندانی ندارد لذا بخاطر عدم ثبات سیاسی به هم اعتماد نکرده و این خود از چالش‌های پیش روی شرکت‌های تعاونی به حساب می‌آید.

۲-۲- ریسک بالا و بازدهی اندک در گام نخست

از آنجای که شرکت‌های تعاونی رقیب شرکت‌های خصوصی محسوب می‌شوند زمینه برای ورود شرکت‌های خصوصی در بخش مورد فعالیت شرکت‌های تعاونی وجود دارد لذا برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تعاونی نوعی ریسک به حساب می‌آید و نیز از آنجایی که هدف از بوجود آوردن شرکت‌های تعاونی تولید و توزیع محصول با کیفیت با قیمت‌های پایین‌تر است لذا بازدهی اندکی دارد و این از موانع تعاونی‌سازی به شمار می‌آید.

۳-۴- عدم امنیت

امنیت کشور افغانستان با نیروهای امنیتی خارجی اداره می‌شود و نیروهای داخلی سهم چندان در برقراری امنیت ندارد با این حال بسیار از نقاط کشور از کنترل دولت خارج بوده و گروه‌های تروریستی و شبه نظامی در آنجا حکم فرما است. همین مسئله برای بسیاری از مردم موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری نکنند؛ چون هر زمانی امکان دارد منطقه‌ی شان یا شرکت که آن‌ها به وجود آوردند از سوی گروه‌های تروریستی مورد تهدید قرار گیرد. بنابراین مردم بخاطر نبودن امنیت نمی‌توانند با خیال راحت و آسوده سرمایه‌گذاری کنند. و می‌توان یکی دیگر از موانع تعاونی‌سازی عدم امنیت را نام برد.

۴-۴- عدم اطمینان اقوام به همدیگر

در تعاونی‌های ملی باید افرادی از همه اقوام در آن عضو باشند، ولی بخاطر تحولات یک قرن گذشته اقوام به هم اعتماد ندارند چون در همین تحولات بود که اقوام حاکم بر اقوام دیگر ظلم کرده و اطمینان اقوام را از همدیگر کاسته است لذا زمینه اینکه افرادی از هر قوم در یک شرکت تعاونی فعالیت کنند خیلی کم است و این هم از موانع تعاونی سازی در کشور به حساب می‌آید.

۵-۴- عدم نیروهای متخصص

تعاونی‌سازی در هر جای دنیا احتیاج به افراد متخصص و آشنا با تعاون دارد که کشور افغانستان از این لحاظ نیز با کاستی‌های فراوانی روبرو است، و افراد متخصص در زمینه تعاونی‌سازی در بخش‌های مختلف را ندارد، تا به اعضا مشاوره دهد. شرکت‌های تعاونی در ابتدا به آموزش اعضا نیاز دارد که کشور افغانستان با کمبود افراد متخصص در این زمینه نیز مواجه است لذا عدم نیروهای متخصص را می‌توان از موارد موانع تعاونی سازی

به حساب آورد.

۴-۶- عدم تعهد به انجام درست

همچنان که گذشت کارگران شرکت‌های تعاونی خود سهام داران شرکتی هستند که هرکدام باید حداکثر تلاش خود را برای وظایف که به او سپرده شده انجام دهد ولی ممکن است که بعضی اعضا وظایف شان را درست انجام ندهند و ضمانتی در مورد تعهد در مورد درست انجام دادن وظیفه در این گونه شرکت‌ها وجود ندارد و این خود از بزرگترین چالش در احداث شرکت‌های تعاونی است.

نتیجه گیری و جمع بندی

نزدیک به ۶۰ سال است که تعاونی‌ها فعالیت خود را در افغانستان شروع کرده‌اند، بخاطر تغییر نظام سیاسی و جنگ‌های داخلی، این شرکت‌ها توسعه چندانی پیدا نکرده و فقط در زمینه کشاورزی و دامداری فعالیت می‌کند، این تعاونی‌های نیز فراگیر نیستند و به شکل مبتدی اداره می‌شود. در نظام سیاسی جدید افغانستان دولت برای تشویق مردم به فعالیت و گسترش شرکت‌های تعاونی برنامه‌هایی دارد ولی بسیار محدود و اندک است.

با توجه به وضعیت افغانستان فعالیت شرکت‌های تعاونی می‌تواند در بخش مختلف اقتصاد این کشور گسترش یابد، و موفق باشند، بخاطر اینکه بیشتر مردم افغانستان مسلمان هستند و اصول شرکت‌های تعاونی نیز با ارزش‌های اسلامی سازگار هستند علاوه بر این شرکت‌های تعاونی در بسیاری از نقاط جهان موفق بوده‌اند، بنابراین تعاونی‌ها می‌توانند در بخش‌های مختلف اقتصاد فعالیت کرده و ابزاری برای توسعه کشور باشند.

فهرست منابع

۱. آراسته خو، محمد. (۱۳۷۸)، *انواع و کارکرد تعاونیها*، دانشگاه پیام نور، دوم، تیر ۱۳۷۸.
۲. تاریخچه کوپراتف‌ها در افغانستان، سایت ویکی‌پی‌دیا، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۲ و کریم پوپل، جنبش کوپراتیف‌ها در افغانستان، سایت مشعل.
۳. جعفر زاده، مسعود. (۱۳۸۶)، *تعاون را بهتر بشناسیم*، تهران، پایگان.
۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی. (۱۳۸۶)، « تا دو سال دیگر فرآورده های نفتی افغانستان به بازار عرضه می شود. »، ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۸۶.
۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۲.
۶. سایت بی بی سی فارسی. (۱۳۹۲)، *جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان*، علی حسینی، ۱۱ / شهریور ۱۳۹۲.
۷. سایت صدای آمریکا. (۱۳۸۹)، *بامیان نوین، اولین کوپراتیف مالرداری و مرغداری زنانه در بامیان*، ۲۰ تیر ۱۳۸۹.
۸. سایت فارسی بی بی سی. (۱۳۹۲)، *بزرگترین پروژه شهرسازی سرنوشت کابل جدید چه شد؟*، ۱۶ / اردیبهشت ۱۳۹۲.
۹. سایت وزارت زراعت، مالرداری و آبیاری. (۲۰۱۳)، *کنفرانس سه روزه راجع به قانون کوپراتیف های زراعتی دایر شد*، ۷ / jul / ۲۰۱۳.
۱۰. سکتور صنعت در افغانستان، <http://www.aisa.org.af/۱۳۹۲/۳/۱۵>.
۱۱. سلیم، غلامرضا. (۱۳۷۴)، *سیر تحول تعاونی در ایران و جهان*، انتشارات دانشگاه پیام نور، چ چهارم.
۱۲. طالب، مهدی. (۱۳۷۹)، *اصول و اندیشه های تعاونی*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. عزیززاده، غلام رضا، *نقش اقتصاد بخش تعاون در توسعه پایدار*، ۱۳ / ۵ / ۱۳۸۸، www.modiriyar.com.
۱۴. پورتر، مایکل، *استراتژی رقابتی تکنیک‌های تحلیل صنعت و رقا*، مترجم: مجید جهانگیری و عباس مهرپویا.
۱۵. معین، محمد. (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیرکبیر، چ ۱.
۱۶. نجفی، محمدعلی، و دیگران. (۱۳۸۹)، *چشم انداز توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان*، تهران، اندیشه سازان نور.